

مسئولیت مدنی سردفتر اسناد رسمی (۲)

ناصر نایبی^۱



۱. سردفتر اسناد رسمی ۲۲۱ تهران، عضو هیأت تحریریه مجله کانون و دانشجوی دوره دکتری حقوق خصوصی.

مسئولیت مدنی سردفتر اسناد رسمی (۲)

مبحث اول: مبانی مسئولیت مدنی

هرچند که بحث پیرامون مبانی مسئولیت از حوصله این تحقیق خارج است لیکن به جهت ارتباط آن در تحلیل مسئولیت مدنی سردفتر که موضوع اصلی این مقاله است نگاهی هرچند مختصر به نظریه‌هایی که در این زمینه ابراز گردیده است خالی از فایده نخواهد بود و بلکه امری ضروری می‌باشد.

چنانکه تجربه جوامع پیشرفته افاده می‌نماید در هیچ نظام حقوقی برای مسئولیت مدنی مبنایی واحد انتخاب نگردیده است^۱ و مناقشات موجود در روشهای جبران ضرر که از یک سو رضایت وجدان عمومی جامعه را به جبران خسارت زیان دیده حاصل نماید و از سویی نیز لزوم تلفیق آن با عدالت، که محکومیت فرد را در مواردی که تقصیری مرتکب نگردیده عادلانه نمی‌داند باعث پیدایش نظریه‌های مختلف در باب مبانی مسئولیت گردیده که از جمله مسئولیت مبتنی بر تقصیر و مسئولیت بدون تقصیر حاصل این اختلاف است. این واقعیات تأییدی بر ضرورت و تأکیدی بر تلاش صاحب‌نظران و نظامهای حقوقی مختلف

۱. نصراله قهرمانی، مسئولیت مدنی وکیل دادگستری، مؤسسه چاپ و نشر نظر، پاییز ۱۳۷۷، ص ۳۱.

برای دستیابی و ارائه راه‌حلهای جامع و کامل و در برگیرنده انواع مسئولیت‌ها می‌باشد.

مبانی مسئولیت در حقوق ما به سابقه تاریخی آن در فقه بر می‌گردد که در این زمینه قواعد ضمان قهری (غصب) اتلاف و تسبیب که از قواعد اسلامی^۱ اتخاذ گردیده اساس و زیر بنای ایجاد مسئولیت به شمار می‌آید. فکر لزوم جبران ضرر غیر که قدیمی‌ترین مفهوم مسئولیت و سرچشمه سایر قواعد دیگر می‌باشد مترادف قاعده لاضرر در فقه اسلام است که از صدر اسلام و دوران حضرت رسول (ص) ملاک ضمان قرار گرفته است و مقصود شارع را از نهي وارد در حدیث قاعده لاضرر بر نهي اضرار به دیگری حمل و آن را حاکم بر هر حکم ضرری نیز قرار^۲ داده‌اند و در مقام تراحم احکام بر دلایل احکام دیگر نیز حکومت دارد. منظور این است که فرضاً در مقام تراحم تسلیط و لاضرر باید از اختیار مالک کاست تا ضرری به همسایه نرسد به عبارت دیگر منظور این است که قاعده لاضرر بر دلایل سایر احکام حکومت دارد و هرگاه بین اجرای حکمی با این قاعده تراحم ایجاد شود باید ضرر را حاکم دانست.^۳

قاعده دیگر معمول در فقه قاعده اتلاف است که در حال حاضر با تفکیک قلمرو مسئولیت کیفری و مدنی از یکدیگر به مسئولیت مدنی اختصاص یافته است و ناظر به (مَنْ اتلف مال الغير فهوله ضامن) که ویژه مباشرت در اتلاف اموال است^۴ اعم از اینکه مال عین خارجی باشد یا منفعت. قید مباشرت به معنی رابطه علیت مستقیم بین کار مباشر و تلف است که معیار تمیز آن داوری عرف

۱. ناصر کاتوزیان، مسئولیت مدنی و ضمان قهری - مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران، چ دوم،

۱۳۷۸، ص ۷۴.

۲. همان، ص ۷۸.

۳. میرزا حسین نائینی، منیه الطالب.

۴. همان مرجع، ص ۷۸.

می‌باشد و تحقق اتلاف منوط به احراز رابطه علیت مذکور است هرچند که بدون تقصیر و به نحو غیر عمدی واقع شود، به عبارت دیگر انتساب اتلاف به مباشر از باب مفهوم عرفی اتلاف است. مورد دیگر قاعده تسبیب است که بنا به مفهوم عرفی آن متفاوت با اتلاف که مبتنی بر مباشرت شخص متلف است مبنی بر سبب سازی و تمهید اتلاف است و به همین جهت نیز آن را اتلاف به تسبیب می‌گویند. منظور از سبب در مسئولیت مدنی مفهوم فلسفی اصطلاح سبب که مترادف علت است نمی‌باشد و بلکه بین آن دو، سبب و وقوع تلف ملازمه عقلی و عرفی وجود ندارد و سبب صرفاً زمینه تلف را فراهم می‌کند چندانکه اگر فعل ارتكابی نبود تلف نیز رخ نمی‌داد ولی بین آن دو رابطه علیت وجود ندارد و به واقع آنچه که در این خصوص سبب نامیده می‌شود شرط وقوع تخلف است نه علت.

تفاوت عمده اتلاف و تسبیب در این است که اتلاف ایجاد علت تلف است^۱ و تسبیب فراهم ساختن زمینه وقوع تلف به نحو احتمال است و در تسبیب، عاملی ایجاد سبب، زمینه را برای تأثیر علت فراهم می‌نماید^۲ یا جزئی از علت را ایجاد می‌کند و در صورتی ضمان آور است که در نظر عرف عدوان و تجاوز اطلاق گردد و یا بر خلاف قانون باشد.

بحث چگونگی تأثیر سبب و مباشر و اجتماع آنان ناظر به قلمرو قواعد مزبور است که جز در مواردی که عرفاً سبب اقوی^۱ از مباشر باشد، مباشر مسؤول است^۲ چون سبب تنها در جایی ضمان آور است که فعل اختیاری بین سبب و تلف

۱. همان مرجع، ص ۸۲.

۲. حسن ره‌پیک، حقوق مدنی - الزامات بدون قرارداد، ویرایش دوم، چ اول، ص ۱۳۳، انتشارات اطلاعات، تهران، ۱۳۷۶.

۳. ناصر کاتوزیان، مسئولیت مدنی و ضمان قهری، انتشارات دانشگاه تهران، صص ۸۴ و ۸۵، چ دوم، ۱۳۷۸ و حسن ره‌پیک، حقوق مدنی - الزامات بدون قرارداد، چ اول صص ۱۴۰ و ۱۴۱، انتشارات اطلاعات، ۱۳۷۶.

واسطه نشود. رابطه میان سبب و تلف رابطه‌ای مجازی و ضعیف می‌باشد و نه رابطه‌ای مستقیم و حقیقی. خصوصاً که در نظر اکثر فقها تساوی مباشر و مسبب را در مسئولیت، بر شرکت آن دو در ضمان حمل ننموده و مباشر را ترجیح و مسئول شناخته‌اند مگر اینکه عرفاً اتلاف مستند به او (مسبب) باشد. یعنی عرف ورود ضرر را به او منسوب بدانند.^۱

به هر حال آنچه که از بررسی و کاوش در نتایج مسئولیت در حقوق اسلام بدست می‌آید علاوه بر قواعد لاضرر، اتلاف و تسبیب، قواعد ضمان ید، غرور و تعدی و تفریط نیز از منابع مسئولیت بشمار می‌رود و روح کلی تمام قواعد مزبور معطوف به جبران خسارت زیان دیده می‌باشد و بیش از هر چیز به اجرای عدالت و رعایت انصاف اهمیت داده شده است که این عقیده نیز متأثر از تنوع روابط انسانها و گستردگی مصادیق و موارد حدوث مسئولیت است که جمع آن را در تحت قاعده‌ای واحد ممتنع ساخته است. در مجموع اصولاً در فقه اگر چه تقسیم مسئولیت‌ها و تفکیک آنها از یکدیگر صورت نگرفته است اما انواع مسئولیت اعم از مسئولیت مبتنی بر تقصیر مانند قتل عمد - مسئولیت مبتنی بر فرضیه خطر مانند قتل با استعمال آلات نوعاً کشنده بدون قصد قبلی و مسئولیت مبتنی بر فعل اشیاء ناشی از خسارت حیوان و ساختمان پیش‌بینی شده است یعنی هم اماره تقصیر و هم اماره مسئولیت یا به عبارت دیگر اماره قابل رد و اماره غیر قابل رد در فقه وجود دارد.

۱. حسن ره‌بیک، حقوق مدنی - الزامات بدون قرارداد، ویرایش دوم، چ اول، ص ۱۴۳، انتشارات اطلاعات، تهران ۱۳۷۶.

۲. حسینقلی حسینی‌نژاد، مسئولیت مدنی، جهاد دانشگاهی دانشگاه شهید بهشتی چ اول، ص ۱۰۹، بهار ۱۳۷۶.

گفتار اول: مبانی نظری مسئولیت

الف - نظریه تقصیر

نظریه تقصیر متأثر از ملاحظات اخلاقی، وجدان عمومی و حقوق فطری است که شخص را بدون ارتکاب تقصیر از مسئولیت مبری^۱ می‌دانند. شرط تحقق مسئولیت فرد را برای جبران ضرر، وجود رابطه علیت بین تقصیر و ضرر دانسته و تقصیر را منوط به احراز قابل انتساب بودن زیان وارده به فعل مرتکب قرار داده است. زیرا اخلاق که زیر بنای قواعد حقوقی است لزوم جبران خسارت را فقط در صورت اثبات تقصیر مرتکب جایز شمرده و خلاف آن را مغایر عدالت می‌داند. به عبارت دیگر اخلاق و عدالت برقراری مسئولیت را بدون ارتکاب تقصیر تجویز نمی‌کند^۲ و آن را مترادف بی‌عدالتی و به مثابه کیفر بی‌گناه تلقی می‌نماید. بر مبنای این نظر شرط استحقاق زیان دیده برای مطالبه خسارت، اثبات تقصیر مرتکب در ایراد ضرر است.

اما این نظریه و چهره اخلاقی آن نتوانست در رفع نابرابری و بی‌عدالتی حاصل از حوادث پیش‌بینی نشده جهان صنعت و قدرت عظیم مؤسسات و بنگاهها مؤثر واقع شود و یا ناهنجاری‌های حادث در روابط کارگر و کارفرما و سوانح رانندگی را پاسخ گوید. گسترش قلمروی مسئولیت قراردادی، ایجاد اماره قانونی تقصیر و تحویل مفهوم اخلاقی تقصیر به تقصیر اجتماعی و تعدیل نظریه تقصیر جهت تطبیق آن با نیازهای اجتماعی، حاصل این ضرورت است بنابراین امروز نظریه تقصیر نیز مفهوم قدیمی خود را از دست داده است و صرفاً متوجه حقوق فردی نبوده و تضمین منافع اجتماعی را نیز لحاظ می‌کند.

۱. ناصر کاتوزیان، مسئولیت مدنی و ضمان قهری، چ دوم، انتشارات دانشگاه تهران، صص ۱۰۳ و

۱۰۴، ۱۳۷۸.

۲. همان مرجع.

ب - مسئولیت بدون تقصیر (نظریه ایجاد خطر)

از نظر تاریخی بر نظریه مسئولیت مبتنی بر تقصیر مقدم است^۱ و این معنا، در حقوق روم که هرکس مسئول اعمال خود بوده و یا در اسلام که تکیه بر جبران ضرر دارد، نشانه‌هایی از این نظریه می‌باشند. به موجب این نظریه، تقصیر در زمره ارکان ایجاد مسئولیت نیست و صرف ورود ضرر به دیگری موجب مسئولیت جبران ضرر می‌باشد، و طبق این عقیده صرف‌نظر از خطا یا صواب بودن فعل مرتکب، به محض احراز رابطه علیت بین فعل شخص و ورود زیان مسئولیت محقق می‌گردد.

در این نظریه بجای احراز رابطه علیت بین تقصیر مرتکب و زیان وارده، به رابطه علیت بین عمل مرتکب و زیان مزبور توجه شده است.

پیدایش دوباره این نظریه، انعکاس ضرورت‌های اجتماعی و انقلاب صنعتی در اروپا^۲ بوده است. چون نظریه مسئولیت مبتنی بر تقصیر، برای پوشش زیانهای حادث از ظهور ماشینیسیم و صنعت کفایت نمی‌کرد، نظریه مسئولیت بدون تقصیر یا نظریه ایجاد خطر مجدداً در عرصه حقوق ظاهر گشت. به هر حال حیات مجدد مسئولیت بدون تقصیر (نظریه ایجاد خطر) به مفهوم تازه خود از پدیده‌های فکری و فلسفی اواخر قرن نوزدهم و بیستم می‌باشد. در این نظریه، ایجاد محیط بالقوه خطرناک که احتمال ورود زیان از آن قابل پیش‌بینی باشد را بر تقصیر حمل نموده و آن را موجب مسئولیت می‌داند. از این منظر، دو نظریه مزبور (نظریه ایجاد خطر و نظریه مسئولیت مبتنی بر تقصیر) با یکدیگر شباهت پیدا می‌کنند. جوهر این نظریه متوجه این واقعیت است که اصولاً هدف از مسئولیت مدنی که

۱. همان مرجع، ص ۱۱۷.

۲. نصراله قهرمانی، مسئولیت مدنی وکیل دادگستری، مؤسسه چاپ و نشر نظر، ۱۳۷۷، ص ۳۳.

جبران خسارت زیان دیده است،^۱ با انحصار آن به فرض تقصیر تأمین نمی‌گردد و به اقتضای عدالت و مصالح اجتماعی ملازمه تقصیر را برای مسئولیت ضروری ندانسته است.

البته این نظریه نیز از طرف پیروان نظریه تقصیر مورد انتقاد واقع شده است و موجب گردیده تا نظریه‌های جدیدی در باب مسئولیت که واجد جنبه‌های مثبت هر یک از این نظرات است پا به عرصه حقوق بگذارد.

در حقوق ایران نیز قاعده اتلاف که اقتباسی از قواعد فقه امامیه است ناظر به مفهوم مسئولیت بدون تقصیر می‌باشد^۲ زیرا طبق این قاعده تلف مال غیر موجب مسئولیت است و زیان دیده نیازی به اثبات تقصیر متلف ندارد.

ج - نظریه مختلط واسطه (تعدیل نظریه ایجاد خطر)

همان‌طور که در سطور فوق بیان گردید چون هیچ یک از نظرات موصوف به طور کامل عدالت را تأمین نمی‌کند و نظریه ایجاد خطر به مفهوم مطلق و وسیع آن نامعقول به نظر می‌رسد و نظریه تقصیر نیز دعاوی جبران خسارت را مشکل و دامنه مسئولیت را محدود می‌سازد نظرات دیگری را جایگزین آن نظریه‌ها نموده‌اند و از جمله نامتعارف بودن کار را جانشین تقصیر نموده‌اند^۳ یا به عبارت دیگر داشتن حق، کسی را از عواقب اعمال زیان بار مصون نمی‌دارد بلکه رفتار در حدود متعارف است که او را از تحمل خسارت معاف می‌کند. اگر چه این نظریه به جهت لزوم اثبات غیر عادی بودن کار زیان بار و قرابت و تشابه کار

۱. ناصر کاتوزیان، مسئولیت مدنی و ضمان قهری، مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران، چ اول، ص ۱۱۶.
 ۲. حسینقلی حسینی‌نژاد، مسئولیت مدنی، چ دوم، ص ۱۱۹، جهاد دانشگاهی دانشگاه شهیدبهبشتی، ۱۴۷۸.
 ۳. ناصر کاتوزیان، همان مرجع، صص ۱۲۳ و ۱۲۴.

نامتعارف با مفهوم بی‌مبالاتی به نظریه تقصیر نزدیک است اما از سویی نیز به سبب تکیه بر عمل شخص به جای تکیه بر مقصر بودن شخص به نظریه خطر نیز تمایل دارد و با برقراری ضابطه‌ای عرفی (داوری عرف نسبت به عادی و متعارف بودن عمل مرتکب) معایب نظریه‌های قبلی را کاسته است اما در این مورد نیز تشخیص غیر عادی و یا نامتعارف بودن عمل، همیشه به سادگی ممکن نمی‌باشد و در تعیین ملاک تشخیص توجه نشده است.^۱

برخی نیز مسئولیت را ناشی از سودجویی و انتفاع اشخاص در انجام کارها قرار داده و معتقدند عدالت ایجاب می‌کند هرکس سود کاری را می‌برد زیان آن را نیز تحمل کند (من له الغنم فعلیه الغرم) لیکن این نظریه نیز علی‌رغم تلاش در توجیه مبانی نظریه خطر و تحدید دامنه مسئولیت بدون تقصیر به جهت اینکه متضمن تبعیض نسبت به فعالیت اشخاص می‌باشد با اصل تساوی در برابر قانون موافقت ندارد.

د - نظریه تضمین حق

این نظریه قائل به این است که حقوق افراد در جامعه مورد حمایت است و ضمانت اجرای این حق مسئولیت مدنی متجاوز است^۲ و در پاسخ به تزامم حقوق مشروع اشخاص (بین حق زیان دیده و آزادی عمل متجاوز) معتقد است هرگاه تضمین حق یکی ملازمه با انکار حق دیگری داشته باشد مانند حق حیات و حق بر تمامیت جسمی و مالکیت، هیچ‌کس اجازه تعدی به حقوق دیگری را به بهانه اجرای حق خود ندارد، ولی در مواردی که ضمانت حق یکطرف ملازمه با انکار

۱. همان مرجع، صص ۱۲۵ و ۱۲۶.

۲. همان مرجع، ص ۱۲۸.

حق دیگری نداشته باشد موجب مسئولیت نمی‌گردد، مثل مشروعیت حق رقابت تجاری و نقد ادبی.

به‌طور خلاصه می‌توان گفت که هیچ یک از نظریه‌های ابراز شده را نمی‌توان به عنوان مبنای مطلق مسئولیت مدنی پذیرفت. اما نکته مهم و غیر قابل تردید، حصول عدالت است بنابراین استفاده از تمامی ابزارهای منطقی امری جایز و لازم می‌باشد.

گفتار دوم:

مبانی مسئولیت مدنی در قوانین موضوعه

الف - قانون مدنی

مسئولیت در قانون مدنی یا عهده‌ای است یا قهری.^۱ مسئولیت عهده‌ای ناشی از عقد است و متعاملین و قائم مقام آنان نسبت به آثار و نتایج عرفی و قانونی عقد ملزم می‌باشند اعم از اینکه تعهد مثبت باشد یا منفی و یا در عقد بدان تصریح شده باشد یا عرف بدون تصریح منصرف بدان باشد و رویهم رفته در حقوق مدنی ایران مسئولیت عهده‌ای مسئولیتی است با اماره تقصیر و صرف عدم ایفای تعهد دلیل تقصیر است و متعهدله نیازی به اثبات تقصیر متعهد ندارد. در حقوق مدنی عملی واحد نمی‌تواند توأماً قهری و عمدی باشد.

مسئولیت قهری یا به عبارت دیگر الزامات خارج از قرارداد که می‌توان آن را الزامات ناشی از شبه عقد دانست شامل ایفای ناروا (مواد ۳۰۱ تا ۳۰۲ ق.م) و ضمان قهری (غصب - تسبیب و اتلاف) می‌باشد که غصب مستلزم تقصیر عمدی و اتلاف اعم از عمدی یا اشتباهی است.

مثل ضمان متلف نسبت به تلف مال غیر اعم از اینکه از روی عمد و یا بدون

عمد باشد و به عبارت دیگر در اتلاف تقصیر شرط ایجاد مسئولیت نیست اما در تسبیب وجود تقصیر شرط ایجاد مسئولیت است.^۱ چنانکه وفق ماده ۳۳۴ ق.م. مسئولیت مالک یا متصرف حیوان منوط به بی مبالاتی آنان^۲ می‌باشد. که قانون مدنی در تدوین قواعد چهارگانه مزبور (ایفای ناروا، غصب، اتلاف، تسبیب، استیفاء) از مبانی فقهی الهام گرفته است که سابقه و تفصیل آن در فقه گذشت.

ب - قانون تجارت

قانون تجارت نیز در مواد ۳۸۶ و ۳۸۸ آن قانون فرض مسئولیت متصدی حمل و نقل را نسبت به تلف یا گم شدن مال التجاره و اعمال گماشته پیش بینی نموده است مگر آنکه متصدی عدم مسئولیت خود را به نحو مقرر ثابت نماید. مطابق این مواد مسئولیت متصدی ناشی از فرضیه خطر است. در حالی که مسئولیت در قانون مدنی بر فرضیه تقصیر استوار است.^۳

ج - قانون مسئولیت مدنی

قانونی که به طور خاص و به قصد تکمیل قانون مدنی در باب مسئولیت تدوین گردیده قانون مسئولیت مدنی مصوب ۱۳۳۹ (در پانزده ماده) است که مبنای مسئولیت را به سود نظریه تقصیر تغییر داده است. به عبارت دیگر این قانون با وضع قاعده‌ای کلی تقصیر را مبنای مسئولیت مدنی قرار داده و اگر چه قلمرو شمول آن منحصر از قواعد قانون مدنی است لیکن معارض و ناسخ آن

۱. ناصر کاتوزیان، مسئولیت مدنی و ضمان قهری، انتشارات دانشگاه تهران، چ دوم، ص ۸۳، ۱۳۷۸.

۲. حسینی‌نژاد، مسئولیت مدنی، جهاد دانشگاهی دانشگاه شهید بهشتی، چ اول، بهار ۱۳۷۰، ص ۱۲۹.

۳. مرجع اخیر، ص ۱۳۱.

قواعد نمی‌باشد، چنانکه در اتلاف غیر عمدی نیز مسئولیت محقق می‌گردد بی‌آنکه تقصیر شرط ایجاد آن محسوب گردد. هر چند که در نظر عدّه‌ای قانون مسئولیت مدنی معارض قاعده اتلاف است لیکن با لحاظ معیار داوری عرف نسبت به تمیز خطا و تعدی از رفتار متعارف که مفهوم تقصیر است این تعارض چندان منطقی به نظر نمی‌رسد خصوصاً که قاعده اتلاف از نظر موضوع نسبت به قانون مسئولیت مدنی خاص است و عام نیز ناسخ خاص نمی‌گردد.

تصحیح و توضیح

در بخش نخست مقاله حاضر به دلایل فنی اشتباهاتی در متن راه یافته بود که ضمن پوزش از خوانندگان محترم، بدین‌وسیله تصحیح می‌نماید: در صفحه ۲۴، سطر دوم، بعد از کلمه «در مقام» کلمات «تثبیت حق» قرار می‌گیرد. در صفحه ۲۲، سطر دوم، بعد از کلمات «کارکنان ثبت» کلمه «را» اضافه و عبارت «به استناد ماده ۱۱ قانون مسئولیت مدنی» از قلم افتاده است و در سطر سوم، همان صفحه، بعد از عبارت «ثبت می‌باشد»، جمله «به استناد ماده ۱۲ همان قانون و مواد ۲۲ و ۲۳ قانون دفاتر اسناد رسمی مصوب سال ۱۳۵۴» از قلم افتاده است.